

کتایون انصاری راد^۱

وابستگی شدید ترکمنستان به روسیه و کنترل روسیه بر حلقه‌های ارتباطی خطوط نفت و گاز، کمبود سرمایه و تکنولوژی پیشرفته، مشخص نشدن رژیم حقوقی دریای خزر و عملکرد خودسرانه بعضی از کشورها، مسایل امنیتی طرحهای پیشنهادی خطوط لوله به‌غیراز مسیر ایران همه از مشکلاتی است که بر سر راه صدور نفت و گاز ترکمنستان وجود دارد. متأسفانه مسایل اقتصادی احداث خطوط لوله نفت و گاز با مسایل سیاسی درهم آمیخته و مانع از اجرای طرحهای اقتصادی مناسب در این جهت گردیده است. در آینده تقاضای جهانی برای نفت و گاز افزایش یافته و به منابع انرژی حوزه دریای خزر بیشتر احتیاج می‌شود. هرچه سرمایه‌گذاری بیشتری در خطوط انتقال انرژی انجام گیرد، به دلیل سیاسی و اقتصادی رقابت شدیدتر می‌گردد و در نتیجه امنیت انرژی جهانی را بهتر می‌توان تأمین نمود و به جای سیاست همه یا هیچ حس همکاری در منطقه را به‌وجود آورد. بنابراین لازم است که مسیر عبور خطوط لوله قارخ از هرگونه فشارهای سیاسی و با یک بینش اقتصادی منطقی انتخاب گردد.

ترکمنستان پس از استقلال با مشکلات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی فراوان مواجه شد. این کشور وارث اقتصادی کاملاً وابسته به مرکز بود و همانند تمامی دولتهای مشترک‌المنافع سیستم مبتنی بر مالکیت دولتی داشت. عدم انباشت سرمایه، نبود امکانات سرمایه‌گذاری، کمبود قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، فقر تکنولوژی و فقدان تخصص و دانش فنی در کنار تک‌محصولی بودن، بالا بودن تورم، کاهش تولید و ... از مشکلات توسعه به‌شمار می‌رفت. دولت ترکمنستان با آگاهی از شرایط موجود اقتصادی در دو جهت شروع به کار نموده است:

۱. قطع رشته‌های وابستگی اقتصادی به مسکو؛

۱. خانم کتایون انصاری راد محقق رشته مطالعات منطقه‌ای است.

۲. پایه‌ریزی اقتصاد ملی به‌منظور استفاده از منابع و تأمین نیازهای داخلی.^(۱)

گرچه اصلاحات به‌کندی پیش می‌رود ولی دولت ترکمنستان اصلاحات اقتصادی کلان را شروع کرده است که منجر به بهبود شرایط بازار و سرمایه‌گذاری خواهد شد؛ اما مشکلات موجود در یک اقتصاد تحت کنترل شرایط را برای تجار غربی ناامیدکننده کرده است. تمام تصمیمات توسط مسئولین رده بالا اتخاذ می‌گردد. شرایط سیاسی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأثیر زیادی دارد. نظم و اساس اقتصاد بازار در حال شکل گرفتن می‌باشد. مشکلات به ارث رسیده همراه با سررسید پرداخت وام‌های خارجی و بحث در مورد قراردادهای امضاشده از جمله موانع سر راه دولت ترکمنستان می‌باشند. در زمان تسلط شوروی سابق، اقتصاد ترکمنستان به استخراج گاز، نفت و محصول پنبه متکی بود. در حال حاضر دولت بیشتر به افزایش صادرات منابع طبیعی و افزایش قیمت آنها توجه دارد. همچنین دولت در اصلاح زیرساخت‌ها به‌منظور جلب سرمایه‌های خارجی در ترکمنستان سرمایه‌گذاری کلان کرده است. در سیاست خارجی، ترکمنستان نقش بیطرف مثبت را بازی می‌کند. در دسامبر ۱۹۹۵، مجمع عمومی سازمان ملل نقش بیطرفی ترکمنستان را به رسمیت شمرد و این کشور به عضویت کشورهای غیرمتعهد درآمد. ترکمنستان با کلیه همسایه‌های خود از جمله ایران روابط حسنه دارد. دولت ترکمنستان با سیاست اجتناب از تنش‌های منطقه‌ای سعی می‌کند نقش میانجی را بازی کند. در همین راستا، عشق‌آباد در ژانویه ۱۹۹۶ میزبان گفتگوهای طرفهای درگیر در تاجیکستان بود. ترکمنستان دارای یک دولت حزبی است که توسط رئیس جمهور قدرتمند و مشاورینش رهبری می‌شود. این کشور معاون رئیس جمهور و نخست وزیر ندارد. بر طبق قانون اساسی، پس از فوت رئیس جمهور یا حکم عدم لیاقت او، رئیس مجلس جانشین رئیس جمهور خواهد شد تا انتخابات برگزار گردد.^(۲) کشور ترکمنستان که در جنوب غربی آسیای مرکزی قرار دارد از سمت غرب به دریای خزر محدود است و داشتن مرز آبی در بحر خزر اهمیت بیشتری به این کشور می‌بخشد. اهمیت ترکمنستان در جهان انرژی به دلیل منابع عظیم گاز طبیعی این کشور است. امروزه ترکمنستان با داشتن ذخایر گازی در حدود ۵۳۵ تریلیون فوت مکعب گاز در بازار انرژی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. این کشور با برخورداری از ذخایر عظیم گاز و

نفت مدعی است که ثروتمندترین کشور در مقایسه با کشورهای تازه به استقلال رسیده است.^(۳) این کشور تا سال ۹۲ از نظر ذخایر گاز در اتحاد شوروی مقام دوم را دارا بود (مقام اول به روسیه تعلق داشت) و از نظر جهانی این کشور چهارمین تولیدکننده گاز محسوب می‌شد. (بعد از آمریکا- کانادا- روسیه). براساس آمار سالانه شرکت بی.پی. آماکو. که در ژوئن ۱۹۹۹ منتشر شد ذخایر نفت ترکمنستان ۱/۵ میلیارد بشکه گزارش شده است. سالانه ۸۰ میلیارد مترمکعب گاز تولید می‌کند که ۹۶٪ از این گاز قابل صدور است.

منابع عظیم زیرزمینی و به ویژه نفت و گاز ترکمنستان مورد نیاز مبرم کشورهای منطقه و ممالک غربی است و همین امر توجه اینگونه دولت‌ها را به ترکمنستان معطوف ساخته است. کشورهای آسیای مرکزی برای رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس، دریای عمان یا دریای سیاه و مدیترانه که اهمیتی حیاتی برای اقتصاد آنان دارد، ناگزیرند از ترکمنستان عبور کنند. همین مسأله موقعیت ترانزیتی منحصر به فردی به ترکمنستان بخشیده است. همچنین ترکمنستان از طریق دریای خزر و با گذشتن از رودهای ولگا و دن می‌تواند امکان ارتباط با دریای سیاه و دریای مدیترانه را فراهم نماید.

ذخایر نفت و گاز ترکمنستان

الف) موقعیت جغرافیایی

دریای خزر با ۴۴۰،۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت، با پنج کشور روسیه، ایران، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان ساحل دارد. در گزارش جدید «مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن»^۱ اعلام شد که منطقه خزر تقریباً ۳ درصد از ذخایر نفتی دنیا را در خود جای می‌دهد و رقم ۱۶ درصدی که توسط آمریکا اعلام شده نادرست می‌باشد. بیشتر ذخایر نفتی دریای خزر به صورت منابع عظیم در ساحل دور هستند ولی اکثر منابع گاز طبیعی در ساحل نزدیک قرار دارند. بیش از ۱/۳ منابع نفتی ترکمنستان و قزاقستان در ساحل دور هستند. منابع بزرگ ساحلی گاز نیز در مناطق دورافتاده ترکمنستان و قزاقستان و ازبکستان قرار دارند. دوری

منابع مشکلات بزرگی در استخراج ذخایر منطقه به وجود آورده و هزینه‌ها را بالا می‌برد. (۴)

در صحرای مرکزی قره‌قوم ترکمنستان میدان گازی عظیم «زامکی داروین» قرار دارد که گاز آن در اعماق حدود ۱۲۰۰ الی ۱۳۰۰ متری قابل دسترسی است ولی هرچه به طرف شرق برویم - به سمت دشت مرغاب - این ذخایر در اعماق حدود ۷۰۰۰ الی ۸۰۰۰ متری قرار دارند. اصولاً در جمهوری ترکمنستان گاز همراه با مقادیر زیاد مایعات گازی (میعان) می‌باشد که از نهشته‌های چلکن - لایه‌های قرمز قاره‌ای در سمت غرب خزر در جمهوری آذربایجان به نام طبقات محصول ده به سن پلیوسن معروف است - به دست می‌آید. این گاز از نهشته‌های چلکن و در اعماق بیش از سه هزار متری حاصل می‌شود و ذخیره این نوع گاز - گاز میعان - حدود یک هزار میلیارد متر در این جمهوری برآورد قطعی گردیده است. در حال حاضر فعالیت‌های اکتشافی در بخش خشکی مشتمل بر میادین گوگران داغ، آمارم، گرمان داغ، نبیت داغ، قوم داغ فعال تر است. بر طبق اطلاعات حاصله در اطراف این منطقه نفت و گاز به مقدار قابل توجه در رسوبات دوران چهارم پیدا شده که دلالت بر حضور هیدروکربور در نهشته‌های این دوران و در اطراف ترکمنستان دارد. گل‌فشانهای ساحل غربی ترکمنستان و در اطراف شبه جزیره چلکن و ترکمن باشی یا همان کراسنودسک سابق نیز از نقاط مهم برای اکتشافات آتی است.

ب) قابلیت‌ها و توانایی‌های میادین نفت و گاز

میدان‌های عمده گاز ترکمنستان بیشتر در شرق این کشور و منابع نفت آن در غرب در سواحل دریای خزر قرار دارد. ترکمنستان دارای ۱/۴ میلیارد بشکه ذخایر نفت می‌باشد که می‌تواند روزانه ۹۳۰۰۰ بشکه در روز تولید کند. همچنین این کشور با داشتن ظرفیت تقریباً ۱۰۰ تریلیون متر مکعب گاز، مقام چهارم جهان را داراست. البته تخمین زده می‌شود که ذخایر گاز ترکمنستان به ۵۳۵ تریلیون متر مکعب گاز نیز می‌رسد. این جمهوری یک برنامه مدرن ۲۵ ساله برای اکتشاف، تولید، تصفیه و انتقال نفت و گاز خود به مقدار ۵۶۰ هزار بشکه نفت در روز، و ۱۲/۶ میلیارد فوت مکعب گاز در روز در سال ۲۰۰۰ تدارک دیده که فقط سرمایه‌گذاری مشترک این هدف را محقق خواهد کرد. بزرگترین حوزه گاز طبیعی ترکمنستان که بیش از نیمی از گاز این

کشور را داراست، حوضه آمودریا^۱ می‌باشد. دیگر منطقه مهم گازی حوضه «مرغاب» و یا «شلار» می‌باشد که ذخایر آن حدود ۲۷ تریلیون مترمکعب تخمین زده شده است.^(۵)

سرمایه‌گذاری خارجی در منابع نفت و گاز ترکمنستان

قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پدیده‌ای به نام سرمایه‌گذاری خارجی در آسیای مرکزی وجود نداشت. بعد از سقوط اتحاد شوروی دول آسیای مرکزی نه تنها بر منابع خود بلکه بر سیستم قانونی حاکم بر کشورشان کنترل داشته و در نتیجه توانستند وارد بازار جهانی شوند و بر حسب شرایط خاص خود سرمایه‌گذاری خارجی را به منطقه جلب نمایند. البته موانعی در جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد که ظاهراً سه علت مشخص دارد:

اولین مورد ابهام آلوده بودن چارچوب‌های قانونی در کشورهای آسیای مرکزی می‌باشد. حق مالکیت جایگاه مشخصی ندارد و فرایند خصوصی‌سازی راه به جایی نبرده است. مسأله دوم از ابهام در روابط سیاسی بین روسیه و کشورهای آسیای مرکزی ناشی می‌شود. روسیه در صدد برآمده است تا نفوذ از دست رفته خود را در منطقه باز یابد. دولت این کشور از ابزارهای فشار سیاسی و دیپلماتیک استفاده می‌نماید تا حقوق خویش نسبت به برخی از منابع را یادآور شود و بدین طریق از حصول توافق با برخی شرکت‌ها ممانعت به عمل آورد. سومین مورد ضعف زیر ساختارهایی چون ارتباطات، حمل و نقل و فرسوده بودن آن است.^(۶)

صنعت نفت ترکمنستان از مهمترین صنایع کشور است و ترکمنستان امیدوار است با کمک سرمایه‌های خارجی نفت خود را استخراج نماید. از چند شرکت خارجی که در زمینه اکتشاف و استخراج نفت در ترکمنستان فعالیت دارند شرکت بریتانیایی به نام مانیومنت اوپل است که رهبری کنسرسیوم احداث خط لوله‌ای که نفت ترکمنستان را به ایران و پس از آن به بازارهای جهانی انتقال می‌دهد برعهده دارد و بدین طریق به مقابله با تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران برخاسته است.^(۷) گروه انگلیسی هلندی شل نیز احداث یک خط لوله جدید ۹۴۰ مایلی که گاز ترکمنستان را به ترکیه و از طریق ایران حمل می‌کند برعهده دارد. علاوه بر این

1. Amu Darya

کمپانی «صنایع ایران مارین سرویس» در سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۰ با همکاری کمپانی ویتول روزانه ۶۰۰۰۰ بشکه نفت را از ترکمنستان به بندرعباس نزدیک جزیره هرمز در خلیج فارس حمل نمود.^(۸) در سالهای ۱۹۹۳-۱۹۹۲ شرکتهای نوبل از ایالات متحده، استپک اینترنشنال از امارات متحده عربی و لامارگ از هلند قراردادهایی در زمینه اکتشاف نفت با کشور ترکمنستان امضا کردند. شرکت نفتی الف و شرکت ایتالیایی T.P.L و شرکای محلی مشترکاً ذخایر سورت آباد را توسعه خواهند داد. ذخایر این میدان به ۱/۳۷ میلیارد مترمکعب بالغ می‌گردد.^(۹)

شرکت آرژانتینی بریداس یکی از شرکتهایی بود که فعالیت خود را برای اکتشاف نفت در این کشور پس از فروپاشی آغاز کرد. این پروژه که یک سرمایه‌گذاری مشترک می‌باشد در سال ۱۹۹۵ بیش از ۱۵۰۰۰ بشکه در روز نفت تولید نمود. از سال ۱۹۹۱ به بعد شرکت از ۴۰۰ میلیون دلار تا ۳ میلیارد دلار در ترکمنستان سرمایه‌گذاری کرده است که این سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر در ذخایر گازی «یاشلار» در جنوب شرقی و حوزه نفت و گاز «کیمیر» در جنوب غربی کشور بوده است. بریداس همچنین در پروژه پیشنهادی تأسیس خط لوله گاز ترکمنستان به پاکستان از طریق افغانستان نیز شرکت دارد. در نوامبر ۱۹۹۵ مجوز صدور نفت به حال تعلیق درآمد و شرکت بریداس در پاسخ به آن تهدید نمود که موضوع را به دادگاههای بین‌المللی ارجاع خواهد داد. طبق گفته مسئولین شرکت، هیچ دلیلی به جز نبود خط لوله صادرات وجود ندارد تا مانع افزایش تولید به سطح ۵۰۰۰۰ بشکه در روز شود. به جز شرکت بریداس، شرکت هلندی لارماگ^۱ نیز در توسعه حوزه نفتی چلکن که حدود هشت هزار بشکه در روز تولید می‌کند، سرمایه‌گذاری مشترک کرده است. این شرکت که تقریباً ۹۰ میلیون دلار در این پروژه سرمایه‌گذاری کرده است امیدوار می‌باشد که بتواند تولید خود را به حداکثر ظرفیت یعنی ۸۵۰۰۰ بشکه در روز برساند. در سال ۱۹۹۵ شرکت حدود شش هزار بشکه نفت در روز از طریق ایران به صورت تحویل در بنادر خلیج فارس صادر کرده است. علاوه بر این، مقدار محدودی نفت نیز از طریق کانال ولگا - دن در کشور روسیه به دریای سیاه انتقال یافته است. یکی از شرکتهای نفتی که هر روز در بخش گاز ترکمنستان فعال تر می‌شود شرکت آمریکایی «یونوکال» می‌باشد. در ماه مارس ۱۹۹۶، یک

1. Larmag

کنسرسیوم متشکل از شرکت نفتی یونوکال و شرکت عربستانی (دلتا) قراردادی را با شرکت روسی گاز پروم برای کمک به توسعه منابع گازی ترکمنستان به امضا رساندند و همچنین تصمیم گرفتند که یک خط لوله گاز به طول ۹۰۰ مایل و به ارزش سه میلیارد دلار از ترکمنستان و از طریق افغانستان به استان بلوچستان پاکستان و در نهایت به بندر کراچی تأسیس کنند. گروه بریداس با شرکت یونوکال بر سر این پروژه دچار اختلاف شده است.^(۱۰) قبل از روی کار آمدن طالبان در افغانستان، گروه بریداس یک قرارداد انحصاری در افغانستان در رابطه با کسب حق ترانزیت خط لوله امضا کرده بود که همه امیدهای شرکت آمریکایی یونوکال را نقش بر آب کرد. اما شکست دولت کابل به دست طالبان در اواخر ۱۹۹۶ به شرکت یونوکال در رابطه با انعقاد قراردادی با افغانستان امید تازه‌ای بخشید. چنین مسیری احتمالاً ایران را از دریافت حق ترانزیت گاز ترکمنستان به خاطر عدم عبورش از خاک ایران محروم می‌کند.

به هر حال، هر چند انجام این پروژه‌ها به کشور ترکمنستان برمی‌گردد ولی تأثیر آن در منطقه انکارناپذیر است. اتخاذ تصمیم نهایی در ارتباط با صدور گاز ترکمنستان تأثیر غیرمستقیم به روی خطوط لوله گاز و نفت منطقه خواهد گذاشت. دوازده کشور ایران، ترکیه، ارمنستان، گرجستان، جمهوری آذربایجان، روسیه، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان و چین توانایی انتقال گاز و نفت ترکمنستان را دارند اما به جز کشور ایران، خطوط لوله نفت و گاز بایستی از بیش از یک کشور عبور کنند.

انتقال نفت و گاز ترکمنستان

به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شتاب کشورهای تازه استقلال یافته حاشیه خزر به تقویت توانایی و رونق بخشیدن به روند رشد و توسعه اقتصادی خود با تکیه بر منابع انرژی نهفته در دریای خزر، مسأله چگونگی انتقال نفت و گاز از حوزه دریای خزر به جهان خارج یکی از دغدغه‌های اصلی این کشورها گردید.^(۱۱) راههای ارتباطی در دریای خزر تابعی از متغیر ژئوپلیتیک خاص این حوزه، کشورهای ساحلی خزر را با تنگناها و محدودیت‌هایی روبرو ساخته است. ملاحظات اقتصادی از عناصر مهم در انتخاب راه ارتباطی و مسأله حمل و نقل است.

کشورهای تازه استقلال یافته حاشیه خزر که از نابسامانی اقتصادی شدیداً رنج می‌برند نیاز بیشتری به رعایت ملاحظات اقتصادی در روند تولید و انتقال نفت و گاز خود دارند، به‌طور طبیعی باید راه‌هایی را انتخاب کنند که از نظر اقتصادی با صرفه‌تر، نزدیک‌تر، امن‌تر، سهل‌الوصول‌تر و در راستای تأمین منافع منطقه به‌ویژه کشورهای ساحلی باشد.^(۱۲) علاوه بر این بحث خطوط جهت صدور منابع انرژی صرفاً یک مسأله اقتصادی و مالی نیست و عوامل ثبات و امنیت و مسائل استراتژیک و همسویی سیاسی برای تصمیم‌گیری در مورد آن دخالت دارند.^(۱۳) ترکمنستان برای صدور گاز به خارج با چهار گزینه عملی روبروست:

(الف) فروش گاز به روسیه؛

(ب) فروش گاز به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع؛

(ج) تشویق و ترغیب روسیه بر اینکه موافقت کند تا گاز این کشور به اروپا حمل و در آنجا

به‌فروش رسد؛

(د) تعطیل چاههای گاز تا وقتی که مسیرهای صادراتی مناسبی برای آنها احداث شود.

بهترین گزینش راه سوم بود؛ اما «گاز پروم» باید چنین اجازه‌ای بدهد. راه چهارم در

درازمدت میسر است و راه اول و دوم برای کوتاه‌مدت مناسب است.^(۱۴)

برای صدور نفت و گاز چند مسیر پیشنهاد شده است:

(الف) خطوط انتقال نفت از شرق به غرب (باکو - جیحان)

این پروژه خط لوله‌ای است که از شرق ترکمنستان و از بستر دریای خزر می‌گذرد و از باکو

به بندر جیحان در ساحل دریای مدیترانه و سپس به اروپا منتقل می‌شود که البته بیشتر برای

انتقال نفت جمهوری آذربایجان تبلیغ می‌شود که مورد حمایت آمریکا نیز می‌باشد. هزینه

احداث آن ۵/۲ میلیارد دلار برآورد شده و طول خط لوله ۱۹۹۴ کیلومتر است.^(۱۵) ظرفیت انتقال

آن ۵۰ میلیون تن در سال در نظر گرفته شده و روزانه ۱۰۰۰۰۰۰ بشکه را به مقصد خود در بندر

جیحان منتقل می‌کند.^(۱۶) و زمان بهره‌برداری این خط لوله از سال ۲۰۰۴ به سال ۲۰۰۵

افزایش یافته است. این طرح با مخالفت ایران و روسیه مواجه شده است.

موانع موجود بر سر راه احداث خطوط لوله باکو - جیحان

۱. غیر اقتصادی بودن؛ ۲. کمبود سرمایه مالی؛ ۳. عدم تأمین امنیت خطوط؛
۴. حساسیت جهانی در خصوص محیط زیست و آلودگی فعلی و زلزله خیز بودن منطقه؛
۵. مشخص نبودن رژیم حقوقی دریای خزر.

ب) خطوط انتقال نفت از مسیر شرقی به چین

این مسیر از حوزه دریای خزر شروع شده و تا چین امتداد می‌یابد و از این طریق نفت ترکمنستان و حوزه دریای خزر به بازارهای چین منتقل می‌شود. طول مسیر ۶۱۰۰ کیلومتر می‌باشد و با هزینه‌ای حدود ۲۰ میلیارد دلار عنوان «پروژه قرن» نام گرفته است و مدت طرح از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ اعلام شده است. حجم سالیانه گاز طبیعی در این مسیر ۲۸ میلیون مترمکعب خواهد بود. موانع بر سر راه احداث این خط لوله: ۱. طولانی بودن مسیر؛ ۲. غیراقتصادی بودن به لحاظ هزینه بالای آن می‌باشد.

ج) خطوط انتقال گاز از مسیر جنوب شرقی

یکی از مهمترین خطوط انتقال گاز طبیعی ترکمنستان خط لوله‌ای است که از شهر چارچو در مرز ترکمنستان و ازبکستان در ساحل رود جیحون آغاز و با عبور از هرات و بلوچستان پاکستان به کراچی خواهد رسید. این خط لوله ۱۶۰۰ کیلومتر طول و حدود ۲ میلیارد دلار هزینه دارد. ۲۱۰ کیلومتر لوله در خاک ترکمنستان و بیش از ۸۰۰ کیلومتر آن از افغانستان و ۴۰۰ کیلومتر آن در خاک پاکستان است. زمان این طرح از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ و ظرفیت آن ۲۰ میلیون مترمکعب در سال بوده است و هزینه آن ۳/۸ میلیون دلار برآورد شده است. مانع عمده این خط لوله عدم امنیت است که به دلیل وجود باندهای قاچاق مواد مخدر رقابت گروه‌های سیاسی و اوضاع داخلی پاکستان و همچنین وجود طالبان است.

د) خطوط انتقال نفت از مسیر شمال

این طرح از سوی مسکو به ترکمنستان پیشنهاد شد که با ایجاد یک خط لوله و مسیر کراسنوودسک، جمهوری آذربایجان، گرجستان، ترکیه صورت خواهد پذیرفت. در صورت موافقت ترکمنستان با این پروژه این خط جایگزین خط لوله خزر - نوروسیسک می‌شود که در حال حاضر از چچن می‌گذرد.^(۱۷) مانع عمده این خط لوله مخالفت ترکیه به دلایل فنی، زیست‌محیطی و امنیتی عبور نفت از دریای سیاه و تنگه‌های آن می‌باشد.

ه) خط لوله گاز ترکمنستان به اروپا از طریق ایران

صدور گاز ترکمنستان از طریق ایران به ترکیه به عنوان بهترین راه به اروپا شناخته شده است. جمع طول خط لوله بین دو کشور ۱۴۷۰ کیلومتر بوده که ۱۴۰ کیلومتر آن در خاک ترکمنستان و ۱۳۳۰ کیلومتر آن در خاک ایران خواهد بود. افتتاح خط لوله گاز از کریچه ترکمنستان به کردکوی در شمال ایران در سال ۱۹۹۸ عملی شد که این خط لوله به خط لوله دیگری به طول ۶۰ مایل در کوهپایه‌های ترکمنستان متصل می‌گردد؛ این پروژه با هزینه ۱۹۰ میلیون دلار توسط متخصصین ایرانی انجام گرفت. کل هزینه اجرای آن قسمت از طرح که در خاک ایران انجام خواهد شد ۳/۵ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است اما هزینه قطعی آن مشخص نیست. طبق قرارداد ۵۰٪ از سهم مالی این پروژه که در خاک ایران است را ایران تأمین می‌کند. خط لوله گاز ترکمنستان به اروپا، سالانه ۱۰ تا ۱۲ میلیارد مترمکعب^(۱۸) گاز ترکمنستان را به اروپا منتقل می‌کند که در فاز نهایی ۲۸ میلیارد مترمکعب گاز منتقل خواهد شد. بنابه گفته نمایندگان شرکت انگلیسی - هلندی «رویاداج‌شل» این خط لوله حداقل ۷۰۰ میلیون دلار ارزان‌تر از خط لوله دریای خزر است. اکنون این پروژه عظیم نیز دستخوش مبارزه آمریکا گردیده است و به جهت ضربه زدن به اقتصاد ایران راه‌های دیگری را در نظر گرفته‌اند.

عملیات معاوضه (سواپ) نفت و گاز توسط ایران

ایران می‌بایست یک بازار طبیعی برای نفت و گاز حوزه دریای خزر محسوب گردد. شهرهای شمالی ایران به حوزه نفت و گاز دریای خزر نزدیکترند تا به میادین نفت و گاز اصلی ایران. در فاز اول این طرح نفت خام را از دریای خزر وارد کرده و در پالایشگاههای نکا - تهران - تبریز مورد استفاده قرار گرفته و در مقابل، ایران نفت خود را به همان میزان از جزیره خارک در خلیج فارس برای صادرات اختصاص می‌دهد که در حال حاضر روزانه ۳۰۰ هزار بشکه به این صورت معاوضه می‌گردد. پس از بهره‌برداری کامل از دو پالایشگاه تهران و تبریز، پالایشگاههای اصفهان و اراک از نفت شمال استفاده می‌نمایند.^(۱۹) که از فاز دوم ۴۶۰ هزار بشکه از نفت خزر بدین صورت ترانزیت می‌شود. در فاز سوم که خطوط لوله به ترمینال‌های خلیج فارس منتهی می‌گردد حدود ۱/۶ میلیون بشکه نفت خام در روز از کشورهای ساحلی دریای خزر انتقال می‌یابد.

قرارداد مبادله نفت به شکل معاوضه برای عملیات SWAP سریعترین و ارزانترین راه حل برای مشکل صادراتی منابع انرژی ترکمنستان در منطقه است. در این روش تولیدکنندگان نفت خود را به قیمت بالاتری خواهند فروخت و از هزینه شدن میلیاردها دلار برای احداث خط لوله اجتناب خواهند کرد؛ اما دولت آمریکا با انعقاد هرگونه قرارداد سواپ با ایران مخالف است. در اواسط نوامبر سال ۱۹۹۸ اداره خزانه‌داری آمریکا در قسمت سرمایه‌گذاری خارجی با پیشنهاد سواپ شرکت آمریکایی ایروین^۱ از تگزاس با تعویض نفت قزاقستان با ایران مخالفت نمود.^(۲۰)

تنش با جمهوری آذربایجان

به نظر می‌رسد بحران تازه‌ای بین دو کشور ساحلی دریای خزر یعنی جمهوری

آذربایجان و ترکمنستان در حال شکل گرفتن باشد. مهمترین موضوع پیش آمده اختلاف نظر در مورد حوزه‌های نفتی دریای خزر می‌باشد. عدم توافق برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و مشخص نشدن وضعیت منابع این دریا مهمترین تنش دیپلماتیک بین باکو و عشق‌آباد می‌باشد. ترکمنستان به جمهوری آذربایجان خاطر نشان کرده است که تمام فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و استخراج هیدروکربن‌های موجود در مناطق مورد مناقشه را متوقف سازد. لازم به ذکر است که ترکمنستان حوزه‌های چراغ^۱ و کپاز^۲ را از خود می‌داند. ترکمن‌ها این مناطق را عثمان^۳، سردار^۴ و خزر^۵ می‌نامند. وزیر امور خارجه ترکمنستان گفته بود که عشق‌آباد پیشنهاد داده است که موضوع به کارشناسان بین‌المللی، دادگاه بین‌المللی و یا هر سازمان بین‌المللی دیگر در صورت ادامه استخراج غیرقانونی از این حوزه‌ها محول گردد. اما عباس عباسف معاون نخست‌وزیر جمهوری آذربایجان، اعلام نمود که «بیانیه وزارت امور خارجه ترکمنستان از وجه قانونی در سطح بین‌المللی برخوردار نیست و گفته‌های طرف ترکمنی ناشی از حفظ منافع خود می‌باشد و دیگر کشورهای ساحلی دریای خزر نمی‌توانند برای خشنودی عشق‌آباد از حق خود بگذرند و در صورت ارائه موضوع به دادگاه بین‌المللی از آنجا که دیدگاه‌های طرف ترکمنستان در محافل بین‌المللی از وجهت قانونی برخوردار نیست پس نمی‌تواند نظر قضات بین‌المللی را نیز جلب نماید».^(۲۱) عباسف همچنین تقاضای ترکمنستان را در ارتباط با قطع تولید نفت رد کرد. مذاکرات به بن‌بست کشیده شد زیرا ترکمنستان علاوه بر حوزه نفتی کپاز - سردار بر حوزه‌های دیگری که از سال ۱۹۹۴ طبق پروژه «قرارداد قرن» به جمهوری آذربایجان الحاق شده است اعلام مالکیت نمود. عشق‌آباد همچنین جمهوری آذربایجان را به بن‌بست کشاندن مذاکرات و عدم توافق بین کشورهای ساحلی دریای خزر متهم نمود. این سخنان مناقشه دریایی خزر را دوباره به روزهای اول خود برگرداند و حتی اختلافات را بدتر و عمیق‌تر کرد. شاید هر دو طرف بر

1. Chirag
3. Osman
5. Khazar

2. Kyapaz
4. Serdar

این باور هستند که طرف مقابل برای توافق آماده می‌باشد. جمهوری آذربایجان قبلاً نشان داده بود که هرگاه دیگر منافع مهمترش در معرض خطر قرار گیرد سر تسلیم فرود خواهد آورد. نیازاف رئیس جمهور ترکمنستان بر این باور است که آذربایجان تمایل دارد برای قانونی کردن پروژه‌های فراساحلی خود و شفاف نمودن هرگونه شبهه در این زمینه سهمی از حوزه کپاز - سردار و «قرارداد قرن» را به ترکمنستان اعطا کند؛ اما به نظر می‌رسد سخت در اشتباه باشد. دو کشور قبلاً در مورد پروژه انتقال خط لوله گاز از بستر دریای خزر به ترکیه به توافق نرسیده بودند که این خود ادامه پروژه را با شکست روبرو کرد. هیچ‌یک از طرفین راضی به دادن امتیاز نمی‌باشد. این در حالی است که جمهوری آذربایجان خود مستقیماً برای فروش گاز به ترکیه طرح‌هایی را پیش برده است. حیدر علی‌اف، رئیس جمهور آذربایجان، نیز بر این باور است که نیازاف وارد معامله خواهد شد زیرا برنامه او برای میزبانی اجلاس دریای خزر تقریباً با شکست روبرو شده است، به این دلیل که اجلاس از مارس به آوریل و پس از آوریل به اکتبر به تعویق افتاده است. در ماه مارس قربان مرادف معاون نخست‌وزیر ترکمنستان گفت که کشورش در حال مذاکره برای عقد یک قرارداد ۱۰ میلیارد دلاری برای بهره‌برداری از منافع دریای خزر می‌باشد. هر دو طرف دلایلی برای عقب راندن طرف مقابل دارند ولی هیچ‌کدام قدم اول را بر نمی‌دارند. به هر حال همان‌طور که اختلافات افزایش می‌یابد نیل به نتیجه مثبت در اجلاس پنج کشور ساحلی برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر کمرنگ می‌شود. در واقع کشورهای ساحلی دریای خزر نبایستی قبل از اینکه خودشان به توافق‌هایی برسند انتظار حل و فصل مناقشه را داشته باشند. این وضعیت ممکن است مناقشه در منطقه دریای خزر را بدتر نماید. (۲۲)

نقش روسیه در سیاست‌های نفتی ترکمنستان

سیاست خارجی روسیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دریای خزر مبتنی بر تأمین نفت و گاز این حوزه از طریق کنترل خطوط لوله و ارتباطات است. از آنجا که روسیه مایل

نیست از درآمدهای حاصل از انتقال نفت منطقه دریای خزر از طریق خاک خود محروم شود تلاش می‌کند طرح‌هایی را برای انتقال نفت و گاز منطقه پیشنهاد کند که منافی برای این کشور داشته باشد. یکی از سیاست‌های روسیه در این مناطق جلوگیری از سرمایه‌گذاری‌های خارجی و قبل از همه سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز برای احداث خطوط لوله نفت و گاز در جهت جنوب است چرا که صادرات نفت و گاز برای روسیه منبع اساسی درآمد ارزی خارجی است و بخشی از اقتصاد آن کشور بر درآمد نفت و گاز استوار است. بدیهی است که روسیه به رقبای خود اجازه نخواهد داد به زیان آن کشور به بازارهای جهانی دست یابند. روسیه تلاش خواهد کرد که حق خود را برای شرکت در بهره‌برداری منابع جدید نفت و گاز و انتقال آن از طریق خاک خویش به عنوان حقی انحصاری گسترش دهد.

نزدیکی طبیعی غرب با سه جمهوری نفت‌خیز حوضه دریای خزر (آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان) سه انتخاب را پیش روی قرار داده است: اول؛ روسیه با این مسأله بی‌تفاوت برخورد کرده و اجازه دهد دولت‌های منطقه سیستم انرژی خاص خود را با مشارکت شرکای غربی ایجاد نمایند. دوم؛ روسیه برای تسلط بر حوزه دریای خزر تلاش کرده و سعی نماید برنامه توسعه منابع انرژی خود را بر این منطقه تحمیل نماید. سوم؛ روسیه از یک خط‌مشی پراگماتیک پیروی کرده و ضمن مذاکره با جمهوری‌های شوروی سابق سعی کند برخی از محدودیت‌های سابق را در اعمال حق حاکمیت آنها همچنان پابرجا نگاه دارد. از اواخر سال ۱۹۹۱ تا اواخر سال ۱۹۹۵ سیاست روسیه هر سه مرحله فوق را پشت سر گذاشت. (۲۳)

دو کشور ایران و روسیه در حال بررسی عقد قراردادهای گاز با کشور ترکمنستان هستند. در اول ژانویه، عشق‌آباد ارسال گاز را به روسیه به دلیل اینکه مسکو از بالا بردن قیمت گاز اجتناب کرد قطع نمود. روسیه مصمم است که به منظور حفظ منافع خود در دریای خزر با افزایش نسبی قیمت گاز ترکمنستان موافقت کند. پوتین اعلام نمود که گفتگوهای انجام شده در ارتباط با یک قرارداد خرید گاز ترکمنستان به مدت ۳۰ سال و به حجم ۵۰ میلیارد متر مکعب به‌طور سالیانه،

روابط دو کشور را بیش از پیش محکم‌تر می‌کند. در حال حاضر ترکمنستان مشتاق پیدا کردن راهی برای صادر کردن گاز به ترکیه دارد چه از طریق ایران و چه از طریق روسیه. ایران و روسیه هر دو برای نفت و گاز ترکمنستان رقابت می‌کنند. این علاقمندی به منابع نفت و گاز می‌تواند برای ترکمنستان فواید کوتاه‌مدتی داشته باشد و این کشور می‌تواند امتیازات ویژه‌ای از هر دو کشور قبل از اجلاس دریای خزر در عشق‌آباد بگیرد. اگر مناقشه دریای خزر ادامه پیدا کند انتخاب یکی از دو کشور ایران و روسیه برای ترکمنستان حساس خواهد شد. هر دو طرف مناقشه قدرتمند هستند و هیچ‌کدام تاب تحمل ناکامی را ندارند. (۲۴)

منافع سیاسی - اقتصادی آمریکا در ترکمنستان

پس از سقوط نظام دو قطبی جهان، ایالات متحده حداکثر تلاش خود را می‌کند تا دو منبع اصلی انرژی عمده جهان در خلیج فارس و دریای خزر را از راه‌های مختلف در اختیار خود بگیرد. آمریکا تلاش دارد با ایجاد کنترل بر این دو منطقه، منابع عظیم انرژی ژئوپلیتیک جهان در قرن ۲۱ را در اختیار داشته باشد و سرنوشت آن را با در اختیار داشتن این مناطق ترسیم کند. نیاز ایالات متحده به واردات نفت موجب شده است که دولت آمریکا در جستجوی کشورهای گوناگون عرضه‌کننده نفت باشد و از وابستگی تنها به یک تأمین‌کننده دوری کند. براساس این چارچوب منافع آمریکا می‌توان در بازسازی صنایع نفت و مشارکت در توسعه میدان‌های نفتی در دریای خزر و کشورهای محصور در خشکی دانست. (۲۵) این ذخایر نفت منابع تأمین جدیدی به جز اوپک از کشورهای خارجی به وجود آورده است و به این دلیل هم به لحاظ ژئوپلیتیک و سیاسی و به همان اندازه از لحاظ اقتصادی دارای اهمیت زیادی هستند. از لحاظ ژئوپلیتیک، آمریکا در جهت منافع سیاسی خود می‌خواهد بانی توسعه صنایع نفت و گاز طبیعی کشورهای این منطقه باشد. مطابق برآوردهای دولت آمریکا این اقدامات باعث رشد اقتصادی شده و به این کشورها کمک می‌کند تا از حوزه نفوذ روسیه خارج شوند. از لحاظ اقتصادی نیز توسعه صنعت نفت این

کشورها فرصت سرمایه‌گذاری لازم را برای شرکت‌های نفتی و ساختمانی آمریکا به وجود می‌آورد. از لحاظ سیاسی نیز آمریکا در این شرایط بر منابع مهم انرژی کنترل یافته و در منابع تأمین نفتی‌اش، تنوع موردنظر را پدید خواهد آورد. بنابراین با آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که آمریکا برای حوزه دریای خزر اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است. در این میان آمریکا به دلایل ذیل روابط با ترکمنستان را مهم تلقی می‌کند:

۱. منابع عظیم انرژی ترکمنستان؛

۲. حضور در آسیای مرکزی برای کنترل و هدایت تحولات منطقه؛

۳. استقرار در مرزهای شمالی ایران.

اما اصرار آمریکا برای تأمین دموکراسی غربی و حقوق بشر مهمترین مانع توسعه روابط دو کشور محسوب می‌شود. مقامات ترکمنستان ایجاد آن مظاهر را برای کشوری که تازه مستقل شده زودهنگام و خطرناک می‌دانند. (۲۶)

در مقابل، ترکمنستان نیز از برقراری و توسعه روابط با آمریکا اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱. جلب حمایت‌های سیاسی آمریکا برای تعدیل فشارهای روسیه؛

۲. جلب حمایت‌های اقتصادی برای تسریع‌گذار اقتصاد کشور به نظام بازار آزاد.

در سالهای اخیر مهمترین بحث در روابط ترکمنستان و آمریکا مسأله مشارکت کمپانی‌های نفتی آمریکایی در استخراج نفت و گاز و انتقال این مواد به بازار جهانی بوده است. به‌طور کلی سیاست آمریکا در مورد انتقال نفت و گاز از منطقه تحت عنوان «کریدور انتقال انرژی از شرق به غرب» شکل گرفته است. به موجب طرح مذکور خطوط لوله ماورای خزر منابع انرژی کشورهای آسیای مرکزی را از منطقه شرق دریای خزر به منطقه غرب این دریا بدون عبور از سرزمین ایران یا روسیه انتقال خواهد داد. آمریکا به منظور ایجاد ارتباط بین منابع انرژی در منطقه مذکور طرح دو خط لوله را در نظر گرفته است:

الف) طرح انتقال منابع نفت و گاز آسیای مرکزی از طریق خط لوله ماورای خزر؛

ب) طرح خطوط لوله باکو - جیحان.

خط لوله ماورای خزر با مشکلات سیاسی، زیست‌محیطی، حقوقی و مهمتر از همه اقتصادی روبروست این طرح فقط در صورتی اقتصادی خواهد بود که خطوط لوله نفت و گاز در امتداد یکدیگر کشیده شوند و منابع لازم نیز برای تکمیل ظرفیت آن موجود باشد. از لحاظ سیاسی و حقوقی نیز مخالفت شدید ایران و روسیه را در پی داشته و بالاخره از لحاظ زیست‌محیطی مسیر موردنظر از مناطق زلزله‌خیز دریای خزر عبور می‌نماید و ممکن است مخاطرات جدی برای محیط زیست این دریای بسته به وجود آورد. خط لوله باکو - جیحان نیز به دلیل هزینه زیاد آن تاکنون با استقبال چندانی از سوی شرکت‌های نفتی و بخش خصوصی - که از نظر دولت آمریکا باید نقش اصلی را در تأمین هزینه مالی هنگفت این طرح عظیم ایفا نمایند - روبرو نشده است. ناگفته نماند که این طرح با استراتژی اروپایی‌ها بر اساس طرح «اینوگیت» برای انتقال نفت و گاز به اروپا و نیز برنامه «تراسکا» یعنی کریدور حمل و نقل آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا همخوانی ندارد. براساس دو طرح مذکور به دریای سیاه به عنوان حلقه ارتباطی اروپا به آسیای مرکزی و قفقاز تأکید شده است در حالی که در طرح باکو - جیحان محور اصلی ترکیه و دریای مدیترانه می‌باشند.

نتیجه‌گیری

استراتژی حاکمیت کمونیزم اقتصاد ترکمنستان را به اقتصاد تک‌پایه‌ای بخصوص در زمینه پنبه تبدیل کرد. کنترل حزب بر این جمهوری مطلق و خدشه‌ناپذیر بود و مرکز بدون در نظر گرفتن تمایلات یا نیازهای این کشور الگوی موردنظر خود را به این کشور تحمیل کرده و یک وابستگی ناسالم را موجب گردیده بود. ترکمنستان جهت رفع وابستگی پیشنهاد احداث چندین خط لوله را مطرح ساخته و طرح‌هایی چون ساخت و نوسازی پالایشگاهها و کارخانجات را شروع کرد. از طرف دیگر اخذ کمک‌های اقتصادی از غرب و ایجاد رابطه با کشورهای مختلف (تأمین شرکای جدید) از جمله اقدامات این کشور برای رفع وابستگی به روسیه می‌باشد.

کشورهایی که در مسیر خط لوله قرار می‌گیرند منافع اقتصادی، سیاسی گوناگونی دارند که عبارتند از: دسترسی به نفت و گاز جهت مصرف داخلی خود، ایجاد اشتغال، سرمایه‌گذاری خارجی در کشور و نهایتاً درآمد حاصل از حق عبور که براساس مقدار عبور محاسبه و مبادله می‌گردد. اما بیشتر این مسیرها دارای مشکلات سیاسی و درگیری‌های محلی است. مثلاً جمهوری آذربایجان با ارمنستان، گرجستان با آبخازیا، چین با روسیه و طالبان در افغانستان را می‌توان نام برد. عدم امنیت در منطقه انتخاب مسیر خط لوله را مشکل می‌سازد و چندین سال است که شرکتهای بین‌المللی نفتی و دولتهای منطقه در حال مذاکره جدی جهت تعیین اولویت مسیر خط لوله هستند. با توجه به مسیرهای گوناگون انتقال نفت و گاز باید توجه داشت که مسیرهای عبور نفت باید فارغ از هرگونه فشارهای سیاسی موجود و با یک بینش اقتصادی بلندمدت انتخاب گردد. بنابه گفته کارشناسان، ایران بهترین مسیر عبور انرژی منطقه دریای خزر به آبهای آزاد در خلیج فارس است اما دولت آمریکا با توجه به سیاست مهار دوجانبه ایران، حمایت کامل خود را از خط لوله باکو-جیحان اعلام نمود. سیاست آمریکا نظریه این دارد که ایران و روسیه، دو کشوری هستند که در زمینه انرژی در منطقه ذی‌نفع می‌باشند، بنابراین راه عبور سومی که خارج از مسیر این دو کشور باشد، عرضه انرژی را به بازار جهانی تضمین کرده و کشورهای حوزه خزر را از اتکای به روسیه‌رهایی می‌بخشد. ضمناً واشنگتن علاقمند است اتکای جهان به خلیج فارس را کاهش داده و عرضه انرژی در جهان را از دیگر مناطق امکان‌پذیر سازد. از سویی روسیه در خصوص شرکتهای غربی در بهره‌برداری از منابع به صورت دوجانبه حساس است و ترجیح می‌دهد از بین انتخاب‌های موجود، از خط لوله کنونی که آسیای مرکزی را به روسیه وصل می‌کند استفاده شود؛ اما به دلایل سیاسی و اقتصادی بعید به نظر می‌رسد که روسیه در آینده بتواند کل حوضه خزر را زیر پوشش سیستم توزیع خویش بگیرد. واردکنندگان نفت از قبیل انگلیس و آمریکا و صادرکنندگان انرژی (آذربایجان، ترکمنستان و ...) از تنوع و تعدد مسیرهای صادراتی حمایت کرده و در برابر تلاش‌های روسیه برای کنترل این مسیرها مقاومت می‌ورزند. به نظر می‌رسد که منطقی‌ترین راه کسب درآمد از تولید نفت و گاز در منطقه، فروش

درون منطقه‌ای آن است اما مهمترین مشکل اکتشاف و استخراج منابع یادشده، عدم دسترسی مناسب کشورهای منطقه به سرمایه و فن آوری موردنیاز می‌باشد. با توجه به امکانات موجود در منطقه باید کشورهای مورد بحث با کمک روسیه و ایران به تأسیس کنسرسیوم منطقه‌ای و بدون حضور عوامل خارج از منطقه، اقدام به اکتشاف و استخراج منابع نفت و گاز نمایند. چنین حرکتی می‌تواند تأثیر بسزایی در موتور اقتصادی این کشورها داشته و از سوی دیگر از هرگونه زیان و خسارت ناشی از دخالت بیگانگان جلوگیری کند. اقتصاد منطقه‌ای به عنوان گامی در جهت اقتصاد جهانی می‌تواند موانع را از سر راه انتقال سرمایه و تکنولوژی منطقه برداشته و افق‌های گسترده‌تری را برای همکاری و سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی بگشاید.

یادداشت‌ها

۱. حسین کریمی، «کتاب سبز ترکمنستان»، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، ص ۴۳.
 ۲. منبع اینترنت:
- Turkmen Oil and Natural Gas: The Viability of Delivering Prosperity to Global Markets, www.american.edu/TED/TURKMEN.HTM, pp.3,4.
۳. مجله صفحه اول، شماره ۱۰، خرداد ۷۱، به نقل از گاردین، ۱۹ مارس ۱۹۹۲.
 ۴. بهرام رجایی، «ژئوپلیتیک منطقه‌ای و رژیم‌های حقوقی: دریای خزر و سیاست آمریکا»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، مترجم خلیل شیرغلامی، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۷۹، ص ۵۱.
 ۵. رجوع کنید به شماره ۲. همان منبع، ص ۱۱ و ۱۲.
 ۶. گیلیان نت، «سرمایه‌گذاری غرب در آسیای مرکزی، خیال واهی یا راهی به سوی آینده»، منابع و ظرفیت‌های اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۴، ص ۵۶۰.
 ۷. رابرت کوزرین، «ترکمنستان یا تأخیر به صف سرمایه‌گذاران در بخش نفت و گاز می‌پیوندد»، فایننشال تایمز، مه ۱۹۹۷.
 ۸. امیر فرمانفرما، «حمل و نقل نفت خام دریای خزر و دیگر مواد انرژی به ایران» پترولیوم اینتلیجنس ویکلی، ۱۱ اوت، ۱۹۹۷، ص ۹.
 ۹. گزارش شرکت نفت کونکو، دسامبر ۱۹۹۳.
 ۱۰. رجوع کنید به منبع شماره ۲، همان منبع، ص ۹ و ۱۰.
 ۱۱. حسین کاظم‌پوراردبیلی، «رژیم حقوقی خزر، توسعه منابع و خطوط انرژی»، فصلنامه مطالعات آسیای

- مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۷۷، ص ۵۲.
۱۲. روزنامه سلام، ۱۳۷۶/۱۲/۱۴.
۱۳. محمدرضا دبیری، «اشتراک و تضاد منافع روسیه، غرب و ایران در حوزه خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۱، بهار ۱۳۷۷، ص ۸۶.
۱۴. شهرام ترابی، «گاز طبیعی در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۵، ۱۳۷۸، ص ۱۸۴.
۱۵. رونامه ابرار، ۱۳۷۸/۸/۲۹، ص ۲۴.
۱۶. رونامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۸/۳۰، ص ۱۳.
۱۷. هم‌اکنون یک خط لوله در این مسیر موجود می‌باشد و فعلاً روزانه ۸۰-۷۰ هزار بشکه از این خط لوله به بندر نوروسیسک در دریای سیاه می‌رود و نفت ترکمنستان و قزاقستان را به شمال می‌برد.
۱۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۷/۱۸، ص ۳.
۱۹. علی ماجدی، «منابع انرژی و انتقال آن از حوزه دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، شماره ۳۱، بهار ۱۳۷۷، ص ۵۶.
۲۰. «نهران - واشنگتن و حوزه دریای خزر»، نشریه گام‌نو، پیشین، شماره سوم، ص ۳۳.
۲۱. منبع اینترنت:
- Diplomatic Tensions between Turkmenistan and Azerbaijan, w.w.w.Cacianalyst.org/June 20 2001/ Diplomatic. Tensions. htm, p.1.
۲۲. منبع اینترنت:
- Efforts by Azerbaijan and Turkmenistan to Define Their Caspian Border Have Ended in Open Conflict Again, w.w.w. Azerilink. homestead. con/files/Efforts by Azerbaijan and Turkmenistan to define, pp.1,2.
23. Robert Borylaki, Middle east Journal/Vol.49/No.2, 1997.
۲۴. منبع اینترنت:
- Turkmenistan: Caspian oil Interests Face Hard Choices In Irn - Russia Dispute, w.w.w. rferl.org/nca/features/2001/01. 17012001115614. asp,p.p.1,2.
۲۵. جولیا نانی، «دیدگاه‌های امنیتی آمریکا و مسأله انتقال انرژی از حوزه دریای خزر»، ترجمه وجیهه صادقیان خوری، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۱، بهار ۱۳۷۷، ص ۱۱۰.
۲۶. حسین کریمی، پیشین، ص ۷۸.